

# عاقبت ستمکاری

نویسنده و گردآوری: رضا قدیری صمدی

انتشارات شاکلید

|                     |                                                   |
|---------------------|---------------------------------------------------|
| سرشناسه             | قدیری صوفی، رضا، ۱۳۶۰ -                           |
| عنوان و نام پدیدآور | عاقبت ستمکاری / نویسنده و گردآوری رضا قدیری صوفی. |
| مشخصات نشر          | تهران: شاکلید، ۱۳۹۷.                              |
| مشخصات ظاهری        | ۱۷۰ ص.                                            |
| شابک                | ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۹۸-۶-۰ :                               |
| وضعیت فهرست نویسی   | فیا :                                             |
| یادداشت             | : کتابنامه به صورت زیرنویس.                       |
| موضوع               | شعر فارسی -- قرن ۱۴                               |
| موضوع               | Persian poetry -- ۲۰th century                    |
| موضوع               | ظلم -- شعر                                        |
| موضوع               | Injustice -- Poetry                               |
| رده بندی کنگره      | ۱۳۹۷ ۸۳۵۷ PIR : ۱۳۶۵ع/د                           |
| رده بندی دیویی      | ۶۲/۱۶۸ :                                          |
| شماره کتابشناسی ملی | ۵۴۳۹۹۲۱ :                                         |

## انتشارات شاکلید

نام کتاب: عاقبت ستمکاری.

نویسنده و گردآوری: رضا قدیری صوفی

نوبت چاپ: اول ۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

ناشر: شاکلید

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۶۴۹۸ - ۶ - ۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

جهت سفارش کتاب یا شماره ۰۹۳۵۱۰۲۴۳۳۸ تماس حاصل فرمایید.

## فهرست

|    |                           |
|----|---------------------------|
| ۱۱ | ..... لحظه مرگ شخص ستمکار |
| ۱۹ | ..... قیامت               |
| ۳۳ | ..... صحرا ان ماجر        |
| ۷۵ | ..... در اعراف            |
| ۹۷ | ..... در جهنم             |

سؤال این است که ستمکار کیست؟ در پاسخ باید گفت که ستمکار کسی است که ندای حق را بشنود ولی گویی نشنیده؛ کلام حق را ببیند ولی انگار ندیده است. یا خارج از دین خداست که در این صورت کافر است و یا داخل در دین است که در چنین حالتی یا منافقانه عمل می کند به گونه ای که تکلیفش با خودش روشن نیست، گاه بر میخ می کوبد و گاه بعل؛ و در واقع همیشه منفعت گراست و دین را در جهت منافع خود می خواند یا تعبیر می کند. و یا اینکه اگر منافق نباشد، سست عنصر و باری به هر جهت است. نسبت به فرامین الهی کم توجه است. ممکن است بعضی اعمال دین را با جدیت انجام دهد و بعضی را ناقص و یا حتی ابتر بگذارد. از دین مسلمانانی فقط به نماز و روزه بسنده کند و شب های پنجشنبه خیراتی برای اموات بدهد و به مسائل دیگر دین و وظیفه مسلمانانی خود کم توجه و یا بی توجه باشد. از قرآن فقط نامی به گوشش رسیده و یا اگر توجهی به قرآن ندارد در حد سوره های کوچک است و یا اینکه قرآن را می خواند ولی به دنبال دین و فهم آن نیست و چون فهمی نتوانسته کسب کند، در بزرگراه های مهم زندگی و نفاق هایی که پیش می آید، در برابر جبهه حق قرار می گیرد و یا اگر با دشمنان دین نیست، در جبهه حق هم نیست و بی تفاوت و چون چوب خشک تکیه زده به دیوار است. و در یک کلام، ستمکار

کسی است یا با خدا نیست و یا اگر هست، بودنش با شرک و دنیا پرستی آلوده است.

اینکه می بینیم که بیشتر مردم روی زمین از نظر دین، ناقص و یا بی دین و آنهایی هم که به دین کامل پیوسته اند، بیشترشان به زبان ایمان دارند و مؤمنند و در عمل، خیلی ها یا از دستورات قرآن و دین بی اطلاع و نا آگاه هستند و در کسب تعلیمات دین سست عنصری می کنند و یا آنهایی که آگاهی دارند ولی دانسته دست به گناه و سرکشی می زنند و منافقان رفتار می کنند، گواه این مدعا و این همه آباتی است که در این زمینه بیان شده است.

در ستمکاری و ناسپاسی و انسدادی آدمیزاد (۶ عادیات و ...) همین بس که باید گفت خداوند او را از در خلق کرد (۲۸ بقره، ۲۶ حجر، ۲ انسان و ...)، و به بهترین صورت به او شکل داد (۷ انفطار و ۴ تین و ...)؛ از روح خود در او دمید و به او جان داد (۲۹ حجر و ...)؛ به چنین خلقتی افتخار کرد (۱۴ مؤنون)؛ او را جانشین خود بر روی زمین قرار داد (۳۰ بقره)؛ در برابر بدبینی فرشتگان نسبت به جانشینی انسان ایستاد (۳۰ بقره)؛ سپس به فرشتگان دستور داد تا در برابر چنین خلقتی سجده کنند (۲۴ بقره، ۱۱ اعراف و ...)؛ شیطان را که از همان ابتدا با انسان دشمن شد، رانده درگاه خویش کرد (۱۱۸ نساء، ۱۳

اعراف؛ و پیش تر از همه این امور زمین و آسمان و همه ی ممکنات  
عالم را برای انسان خلق کرد (۹ تا ۱۲ فصلت و...).

اما این انسان بی همه چیز و ستمکار در برابر خدای خویش غره شد  
و گردنکشی کرد (۶ انفطار) و آفرینش خود را فراموش کرد که از چه  
خلق شد، (۵ طارق)؛ به خدا کافر شد یا شرک آورد و یا نفاق ورزید؛  
هرگز ندانست که کلام خداوند (قرآن) با او چیست؟ چرا که به آن بی  
توجه بود و با اگر توجه کلام خدا شد در آنها تفکر و تعقل نکرد و  
درک و فهمی از آیات نداشت؛ دانسته یا نادانسته از فرامین الهی  
سرکشی و گردنکشی کرده و آنها را ابتر گذاشته و به این ترتیب  
موجبات خسران خود را فراهم کرد. چرا که به عالم آخرت معتقد  
نیست و یا اگر اعتقادی داشته باشد سرکش حرف است و نه عمل. همه  
ی این امور حاکی از ناشکری و ناسپاسی انسان است.